



درس‌گوشه شهادت سبط اکبر (ع)

امام حسن مجتبی (ع) در شب نهمه رمضان سال سوم هجری در مدینه چشم به جهان گشودند و حدود هفت سال از دوران زندگی پیامبر اکرم (ص) را درک کردند و پس از آن حضرت حدود سی سال با پدر بزرگوارشان علی بن ابی طالب (ع) ملازمت داشتند. بعد از شهادت امیر مؤمنان (ع) به مدت ده سال عهده دار مقام امامت بودند و ۲۸ صفر سال پنجاه هجری در ۴۷ سالگی به دستور معاویه بن ابی سفیان و به دست جده دختر اشعث بن قیس مسموم شدند و بر اثر همان زهر به شهادت رسیدند. حکومت اموی پس از تحمیل صلح بر امام حسن (ع) گرچه به بسیاری از اهداف خود رسیده بود، اما همچنان وجود امام حسن (ع) مانع از به اجرا در آوردن برخی نیت پلید آنان بود. از جمله اهدافی که معاویه دنبال می کرد، تعیین جانشین برای خود بود. وی از اجرای این تصمیم که برخلاف مفاد صلح نامه او با امام حسن (ع) بود، وحشت داشت و می دانست که اگر در زمان حیات آن حضرت به چنین کاری دست بزند، بدون شک با مخالفت شدید وی روبه رو خواهد شد. بر این اساس، تصمیم گرفت از هر راه ممکن امام را به شهادت برساند. پس از بررسی های زیاد جده، همسر امام (ع) را مناسب ترین فرد برای تحقق بخشیدن به این هدف پلید دید. آنگاه به صورت محرمانه و با ارسال صدهزار درهم به جده، به او قول داد که اگر امام را به شهادت برساند، او را به همسری یزید در خواهد آورد. سرانجام جده آن حضرت را با ریختن زهر در آب آشامیدنی مسموم کرد و طولی نکشید بر اثر آن زهر، امام حسن (ع) به شهادت رسیدند.

وصیت امام حسن (ع)

چون امام حسن (ع) را مسموم کردند و حال ایشان دگرگون شد، برادرشان امام حسین (ع) به بالین آن حضرت حاضر شدند. وقتی جوابی احوال او گشتند، امام حسن (ع) فرمودند: «خود را در اولین روز از روزهای آخرت و آخرین روز از روزهای دنیا می بینم». در ادامه، این گونه وصیت فرمودند: «گواهی می دهم به وحدانیت خدا و این که برای او شریکی نیست و تنها او سزاوار پرستش است. هر که اطاعت او را در پیش گیرد، رستگار می شود و هر که نافرمانی اش کند، گمراه می گردد و کسی که از گناهان و تقصیراتش نژاد او توبه کند، هدایت می شود. ای حسین جنایه مرا در کنار جدم رسول خدا (ص) دفن کن به شرط آن که کسی مانع این کار نباشد. اگر تو را از این کار باز داشتند، مبادا بر آن بافشاری کنی، چون راضی نیستی به خاطر این کار قطره ای خون به زمین ریخته شود»

وصایای آموزنده امام حسن (ع) به چندان

چنانچه بن ابی امیه پس از مسموم شدن امام حسن (ع) به حضور آن حضرت رسید. پس از احوالپرسی، به امام عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! مرا موعظه کن. امام (ع) مطالب بسیار مهمی بیان کردند و از جمله فرمودند: «ای چندان خود را برای سفری که در پیش داری، پیش از فرارسیدن اجل مهیا کن. بدان تو همواره دنیا را طلب می کنی و مرگ هم تو را طلب می کند. آندوه روزی را که هنوز نرسیده است بر روزی که در آن هستی بار مکن... بدان در مال حلال دنیا حساب و در حرام آن کیفر و عقاب و در اموال شبیه ناک عتاب هست. برای دنیای خود به گونه ای تلاش کن که گویی همیشه در آن باقی خواهی ماند و برای آخرت به گونه ای کار کن که گویی همین فردا خواهی مرد. اگر طالب عزت بی عده و غده و هیبت بی ملک و سلطنت هستی، از خواری و ذلت گناه و نافرمانی خدا پر هیز کن و به اطاعت از فرمان او خود را ملزم ساز»

فضایل و مکارم امام حسن (ع)

رسول اکرم (ص) به مناسبت های مختلف در توصیف امام حسن مجتبی (ع) سخن گفته اند؛ از جمله فرمودند: «اگر قرار بود عقل به صورت یک انسان تجسم پیدا کند به صورت امام حسن (ع) ظاهر می شد». از صفات برجسته و معروف امام حسن (ع) شکیبایی و بردباری بود؛ به گونه ای که «الحلم الحسینی» در فرهنگ اسلامی ضرب المثل شده است. بردباری و سعه صدر آن حضرت به اندازه ای بوده است که سرسخت ترین دشمنان او نیز به این صفت همواره اعتراف داشتند.

غم غروب

در

رحلت جانگذا پیامبر اکرم (ص)، یکی از اندوهناک ترین حوادث تاریخ اسلام به شمار می رود. به قول مشهور علمای شیعه، پیامبر اکرم (ص) روز دوشنبه، ۲۸ صفر سال ۱۱ هجری قمری، رحلت کردند. هنگام وفات پیامبر (ص)، سر مبارک آن حضرت در دامن علی (ع) بود، در حالی که خانه حضرت از حضور مهاجران و انصار موج می زد. نقل است حضرت علی (ع) هنگام شستن بیکر پاک رسول خدا (ص) چنین فرمود: «بدر و مادرم فدایت باد! با مرگ تو ورشته ای برید که در مرگ جز تو، کسی چنان ندید: پایان یافتن دعوت پیامبران و بریدن خبرهای آسمان. مرگت مصیبت زدگان را به شکیبایی واداشت و همگان را در سوگی بکسان گذاشت. اگر نه این بود که به شکیبایی امر و از بی ثباتی نهدی کردی، آشک دیده را با گر بستی بر تو به پایان می رساندیم. این زاری و بی قراری در فقدان تو اندک است، لیکن مرگ را باز نتوان گرداند و نه کس را از آن توان رها کند. پدر و مادرم فدایت، ما را در پیشگاه پروردگارت به یاد آر و در خاطر خود نگاهدار»

نگاهی به سیره و سخنان پیامبر اکرم (ص)

امام علی (ع) در وصف پیامبر (ص) فرمود: او بخشنده ترین، دلیر ترین، راستگوترین، خوش عهد و پیمان ترین و نرم خوترین مرد مور فتارش از همه بزرگوارانه تر بود. هر کس بدون سابقه قبلی آن حضرت را می دید، هیبتش او را می گرفت و هر کس با وی می آمیخت و او را می شناخت، دوستدارش می شد. نظیر او را در گذشته و حال ندیده ام. رسول خدا (ص) هر روز برای نماز جماعت به مسجد مدینه می رفت. سر راه ایشان منزل یک نفر یهودی بود. پیامبر (ص) که به آنجا می رسید، آن مرد از پشت بام یا پنجره خانه اش مقداری خاکستر به پایین می ریخت و لباس آن حضرت آلوده می شد. رسول خدا (ص) از آن کار عصبانی نمی شد و با بردباری مانع مزاحمت انصار و مجادله با او می شد. روزی پیامبر (ص) از آنجا گذشت و متوجه شد که آن روز از خاکستر خبری نیست. از همسایه های یهودی پرسید: «این رفیق ما را چه شده؟! گفتند: «هریض است و در بستر افتاده». آن حضرت (ص) در خانه یهودی راز و اجازه ورود خواست

تا از او عبادت کند. وقتی بی کشید و از شرمندگی پتو کشید. یهودی از کار خود عذ رفتار نیکی پیامبر (ص) را پیامبر (ص) از ترس کشته شد (ص) در باره خود بودند. پناه الهی که وعده پیروزیش را می برد، ای جمعیت فر بشر جز خیر و نیکی انتظار ندارید. قدرت در دست توست.» سر می گویم که برادرم یوسف سرزنی نیست، خدا شرف رسول خدا (ص) خطاب به شدگتاید»

نشان منافع سه چیز است. امانت خیانت نماید. (تحفه) کسی که نماز را از وقتش تا (محاسن ص ۸۰) منظورترین چیزهای حلال بهترین باران کسی است الخواطر ج ۲، ص ۱۱۳) فرزند آدم وقتی تن تو سوار راداری، جهانگر مباش. (نه) فرزند آدم، آنچه حاجت تو